

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۸۱ شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۹، ۳۰ ژوئن ۲۰۲۰

۲

• حزب دمکرات، جنایات رژیم تهران را محکوم نمود

۲

• یک عضو سابق رهبری حزب دمکرات در هلند مورد حمله قرار گرفت

• "حسین احمدی‌نیا":

«فشار روانی نهادهای امنیتی و دادسرای انقلاب ضد تمام معیارهای انسانی و اخلاقی است»

۲

www.kurdistanmedia.com



ناسیونالیسم کوردی
از نظر تا عمل

۷



مشکلات بنیادین جامعه
...

۶



مذاکره انتخابی
میان بد و بدتر ...

۵



فساد در رژیم اسلامی

۴

سخن

وحشت

یک رژیم

کریم پرویزی

رژیم با توپباران پابرجا نمی‌ماند



سیستم استعمارگر حاکم بر ایران در تقای بیهوده برای بقای خود به هرگونه اقدامی دور از منطق و اصول سیاسی مبادرت می‌ورزد. اگر سیستمی مستقر و دارای پایگاه اجتماعی باشد و از سقوط خود هیچ واهمه‌ای نداشته باشد، در برابر مشکلات بسیار مستحکم و استوار ظاهر شده برخی اوقات نیز مشکلات موجود را تحمل نماید، چونکه هیچ نگرانی ندارد و احساس خطر نمی‌کند. اما اگر رژیمی کابوس شبانه سقوط داشته باشد و روزانه از ترس فروپاشی بلرزد، در مواقع عادی نیز تصمیمات غیرعادی و غیرمنطقی گرفته و مشکلات را برای خود به بحران تبدیل خواهد کرد. ویروسی در ایران شیوع پیدا کرد و خامنه‌ای از ترس سقوط رژیم خویش آن را مخفی نمود و سپس به بحرانی عظیم مبدل گشت که مشروعیت رژیم را حتی در بین بسیجیان و ولایتمداران رژیم از بین برد.

همان زمان، از موشک‌های آمریکایی به وحشت افتاد، به همین دلیل با عجله و سراسیمه به یک هواپیمای اوکراینی شلیک نمود و آن را به بحرانی عظیم برای خود مبدل نمود. در حالیکه تمام ایران را کرونا دربر گرفته و ملیت‌های ایران روزانه شاهد مرگ عزیزان خود هستند که کرونا ی اهدایی از سوی جمهوری اسلامی گریبان آنان را گرفته و آزار می‌دهد، این رژیم دوباره مسائل را پیچیده‌تر می‌نماید. سپاه پاسداران که مانند یک باند تروریستی مافیایی همه ایران را غارت کرده است، از ترس مرگ رژیم به توپباران و موشکباران کوردستان پناه برده است. روزانه در همه شهرهای کوردستان خبر تحرک نیروهای سپاه پاسداران منتشر می‌شود و در مقابل دیدگان مردم مناطق کوهستانی کوردستان با نیرو و

نمی‌آید، و در برابر انتظارات مردمش عاجز است. از اینکه ایران در جواب کشورهای فرانسه، آلمان و انگلیس در مورد آژانس بین المللی انرژی اتمی که در رابطه با فعالیت هسته‌ای بایستی جوابگو باشد و ابراز نگرانی آنها از اینکه چهار ماه است قانون آژانس را زیر پا گذاشته است و از بازدید ناظران آژانس جلوگیری کرده است . در این مورد آمریکا پشتیبانی خود را از این کشورها ابراز کرد و خاطر نشان کرد اگر ایران به خواسته‌های جامعه بین‌المللی تن ندهد انتظار اقدام فوری جهانی را داشته باشد. اگر از بعد دیگری به مسئله بنگریم، بر این باور دست می‌یابیم که "راسان روژه‌لات" می‌تواند مسئله مهمی در این رابطه باشد و حکومت ایران که در چند سال اخیر تبلیغاتی منفی مبنی بر اینکه احزاب کوردستان منحل‌اند، "راسان روژه‌لات" پایه و اساس این رژیم دیکتاتور را لرزانده است و در همین راستا شروع به بازداشت‌های فله‌ای در کردستان کرد.

رژیم بخصوص بعد از شیوع بیماری کرونا و کشتار آبان و دیماه ۹۸ و هدف قراردادن هواپیمای اوکراینی، بیشتر راه را برای اعتراضات گسترده و فراگیر هموار می‌کرد. چنان که در روزهای گذشته و در چندین نقطه‌ی ایران ناظر بودیم، با این قبیل اقدامات و تلاش برای جنگ و آشوب جدیدی اما کنترل شده سعی دارد جهت دیدگاه‌ها را تغییر دهد. این رویدادها بعد از آن بوقوع پیوست که "برایان هوک" نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران اعلام کرد که رژیم ایران هیچ زمانی همانند اکنون با بحران مواجهه نشده و هم اکنون در بی‌سابقه‌ترین بحران‌ها دست و پا می‌زند. نامبرده اشاره به کوچک شدن اقتصاد ایران و کاهش چشمگیر صادرات و دسترسی آن به ارز خارجی کرده است، به گفته‌ی هوک آخرین گزارش بانک جهانی حاکی از آن است، ایران بعد از ونزوئلا و لیبی بدترین اقتصاد را داراست به شیوه‌ای که از عهده تأمین نیازمندی‌های خود بر

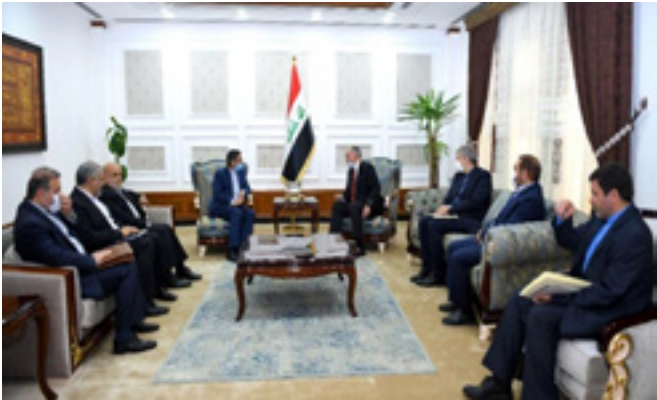
سوریه به ایران بازنگرداند. جدا از این بازنگری سریع بر وضعیت نابسامان داخلی رژیم می‌تواند تکه‌ای از پازلی باشد که رژیم در تلاش برای اختفای ترس خود است؛ سیاست مشغول نمودن افکار عمومی به موضوعات فرعی و تلاش برای به ثمر رساندن سیاست کلی‌تر، سیاست تازه رژیم نیست و سالیان مدیدی است که ازاین راه در تلاش برای فریب ملیت‌های ایران و ملیت‌های دیگر منطقه بوده است. رژیم اسلامی ایران به ویژه طی چند سال اخیر از جهت مشروعیت با مشکلات متعددی چه در سطح داخلی و چه در سطح خارجی و منطقه‌ای روبرو گشته است و موقعیت لرزان خود را از دست داده و اینک جز تعدادی از عوامل خود از حمایت هیچ کشور خارجی برخوردار نیست و نه تنها از حمایتی برخوردار نیست بلکه پیوسته کار و اعمال تحریک آمیزش را محکوم می‌کنند. از سویی دیگر وضعیت نابسامان اقتصادی و اجتماعی و مدیریت

منطقه بوده و این دخالت و تجاوز به حدود و ثغور و پا بیش از حد خود فرا گذاشتن را بعنوان کارت فشار در سطح منطقه‌ای و اقلیمی بکار گرفته است؛ لذا می‌توان گفت که هم توپباران این چند روز اخیر و هم برگزاری بیشترین مانور سربازی در سال‌های گذشته و تلاش برای میلیتاریزه کردن کوردستان ایران در این چهارچوب جای می‌گیرند. در حقیقت نیز مسئله اقلیم کوردستان از منظر رژیم ایران، مسئله‌ای امنیتی بوده و است و بیشتر از روال روابط ضعیف دیپلوماسی _ بازرگانی، در چهارچوب سازمان‌های امنیتی همچون سپاه قدس و شورای عالی امنیت ملی و ارگان‌های جاسوسی با اقلیم کوردستان رفتار کرده است. به این نیز راضی نبوده و به بهانه جلوگیری از تجزیه عراق و سوریه ، با هدف جلوگیری از هرگونه موفقیت جنبش کورد، نیروی فراوانی از سپاه پاسداران را به این منطقه اعزام نموده و روز نیست که اجساد پاسدارهای خود را از جبهه‌های جنگ عراق و

در چند روز اخیر و برای باری دیگر جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکیه بصورت هماهنگ و بصورت مشترک به مناطق مرزی مابین کوردستان ایران و عراق هجوم آوردند. در این هجوم گسترده همانگونه که فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان اعلام کرد: "نیروی پیشمرگه با هیچ خسارت جانی روبرو نشده اما زیست محیط منطقه با خسارات فراوانی روبرو شده است". واضح و آشکار است که جمهوری اسلامی ایران در طول سالیان اخیر در تلاش برای اشغال اقلیم کوردستان عراق از روی فکری و ایدئولوژی و دیپلوماسی بوده تا هژمونی خود بر این منطقه را بیشتر نماید. این نیز از روی حملات رسانه‌ای و جنگ نرم رژیم در این اقلیم به وضوح قابل مشاهده است، اما از سوی دیگر بر اساس اصول رژیم‌های استعمارگری که برای رسیدن به اهداف خود از هر دو بعد جنگ نرم و سخت بهره می‌جویند. هر از گاهی در تلاش برای برهم زدن آرامش و آسایش

ادامه در صفحه ۳

بغداد در مقابل برق و گاز، به رژیم ایران غذا می‌دهد



و گاز در برابر واردات نفت و غذا؛ نام آن هرچه باشد، تصویری از کشوری که "زانی آمریکا را شکسته" تداعی نمی‌کند.

غذایی به مدت ۴۵ روز معافیت موقت داده است. برنامه نفت در برابر غذا یا آن گونه که همتی می‌گوید، صادرات برق

روز چهارشنبه ۲۸ خرداد، "عبدالناصر همتی"، رئیس بانک مرکزی رژیم ایران، در دیدار با "علی محسن اسماعیل العلقی"، ریس بانک مرکزی عراق ، در مورد اجرای توافقات گذشته بر سر مبادله برق و گاز با مواد غذایی گفت و گو کردند. همچنین بر اساس این توافقات، عراق بدهی‌های خود بابت واردات گاز و برق از ایران را با صادرات مواد غذایی می‌پردازد.

با آغاز تحریم‌های آمریکا علیه رژیم ایران، واشنگتن به عراق برای واردات گاز و برق و همچنین اقلام

"حسین احمدی‌نیاز":

«فشار روانی نهادهای امنیتی و

دادسرای انقلاب ضد تمام معیارهای

انسانی و اخلاقی است»



مزین کرارا پیگیر بوده‌اند اما دریغ از یک قطره خبر موثق که دادسرا به وکلای زندانی بدهد. این رفتارها منطبق با هیچ قانون و معیار حقوقی نیست".

این وکیل پایه یک دادگستری در پایان اعلام کرد: به عنوان یکی از وکلای هدایت عبدالله‌پور این جنگ روانی غیرانسانی نهادهای امنیتی و دادسرای انقلاب با خانواده هدایت عبدالله‌پور و وکلای ایشان را محکوم می‌نامیم. اگر حکم هدایت عبدالله‌پور اجرا شده باشد یک جنایت محسوب می‌شود و باید در مراجع بین‌المللی پیگیری شود.

هدایت عبدالله‌پور از روز شنبه بیستم اردیبهشت‌ماه از زندان مرکزی ارومیه به مکانی نامعلوم منتقل و دادگستری ارومیه و نهادهای امنیتی از ارائه پاسخی روشن درباره سرنوشت این زندانی سیاسی کورد محکوم به اعدام خودداری می‌کنند.

پرونده این زندانی سیاسی در کمیسیون عفو و بخشودگی ارومیه است.

هدایت مراجعه می‌کند ابتدا اعلام می‌کنند که ما هیچ اطلاعی نداریم اما امروز چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۹ به اجرای احکام دادسرای انقلاب ارومیه مراجعه می‌کند و آنها بی‌شرمانه اعلام می‌کنند که حکم هدایت عبدالله‌پور ۲۰ روز پیش در اجرای احکام دادسرای انقلاب اشنویه اجرا شده است".

وی افزوده است: "فشار روانی نهادهای امنیتی و دادسرای انقلاب بر خانواده هدایت عبدالله‌پور غیرقانونی، ضد تمام معیارهای انسانی و اخلاقی است".

احمدی‌نیاز اظهار داشته‌است: "همکاران شریف اینجانب وکیل مازیارطاطایی و وکیل عثمان

"حسین احمدی‌نیاز"، حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری طی گفتوگو با آژانش خبرسانی "کوردپا" درباره آخرین وضعیت هدایت عبدالله‌پور اعلام کرده است فشار روانی نهادهای امنیتی و دادسرای انقلاب غیر قانونی، ضد تمام معیارهای انسانی و اخلاقی است.

"احمدی‌نیاز" اعلام داشته است: "بیش از یک ماه است که هدایت عبدالله‌پور، زندانی سیاسی کورد زندان ارومیه، به مکان نامعلومی منتقل شده است. سه روز پیش دادسرای انقلاب اشنویه به پدر هدایت اطلاع می‌دهد که به اجرای احکام دادسرای انقلاب ارومیه مراجعه نماید. دو روز پیش پدر

گسیل نیروهای مزدور و اطلاعاتی

رژیم به روستای "زیران" جوانرود

روز دوشنبه ۲۶ خرداد ماه، رژیم اسلامی ایران نیرویی متشکل از ۳۰ نفر از مزدوران و سربازهای خود را به روستای "زیران" اعزام کرده است.

به گفته یک منبع آگاه، این نیروها وابسته به سپاه تروریست پاسداران هستند که در روستای "زیران" از توابع شهرستان "جوانرود" مستقر شده‌اند.

این نیروی ۳۰ نفری رژیم ایران مجهز به اسلحه کلاشنیکف و قناسه هستند.

از دلیل اعزام این نیروی رژیم به روستای "زیران" هیچ اطلاعاتی در دست نیست.

جاش‌های رژیم در بوکان در شهر

مانور انجام دادند

روزسه‌شنبه بیستم خردادماه، جاش و مزدوران رژیم ایران در شهر بوکان برای دومین روز متوالی در سطح شهر مانور انجام دادند.

روز گذشته نوزدهم خردادماه، جاش و مزدوران رژیم در شهر بوکان در جادهی "بنداو"، روستای " گول" واقع در دو کیلومتری شهر بوکان مانور برگزار کردند.

در این مانور، مزدوران رژیم ایران با پرچم‌های مختص به سپاه تروریست پاسداران و اسلحه‌های سبک و سنگین مانور انجام دادند.

در نتیجه این مانور بخشی از مراتع این منطقه به آتش کشیده شد.

جنگل‌های زاگرس

با هدف کشت خشخاش تخریب می‌شوند

برخی از افراد سودجو با نابودی جنگل‌های زاگرس و تخریب مراتع آن اقدام به کشت خشخاش می‌کنند که طی سالیان اخیر کشت و تولید خشخاش در جنگل‌های زاگرس رو به افزایش داشته است.

در همین رابطه فعالان محیط زیست در مورد به آتش کشیدن تعددی جنگل‌های بلوط در زاگرس و کاشتن خشخاش به‌جای آن‌ها ابراز نگرانی کرده‌اند.

تا کنون رژیم ایران در رابطه به کشت خشخاش در ایلام اعلام بی خبری کرده است.

شهروندان در ایلام اعلام کرده‌اند مالکان زمین‌های کشت خشخاش برای هیچ کسی روشن نیست.

صاحبان مزارع نامشخص هستند و از قطعاتی به وسعت ۲۵۰ مترمربع، یک کیلوگرم ماده مخدر به‌دست می‌آید. روستای "سمیره" یکی از روستاهای ایلام است که در آن خشخاش کشت می‌شود اما تا کنون رژیم ایران سکوت در پیش گرفته است.مستولان رژیم ایران نه تنها هیچ اقدامی در خصوص پیشگیری از این اقدام صورت نداده‌اند بلکه این یکی از دسیسه‌های خود رژیم برای ترویج مواد مخدر میان مردم است. تحقیقات نشان داده است که میلیارد‌ها تومان از پول مردم روزانه در راه موادمخدر از بین می‌رود و ورود مواد مخدر به زندان‌ها از سیاست های سیستماتیک رژیم فاسد است.

بر اساس آخرین آمار و بررسی‌های صورت گرفته در استان‌های کوردستان ایران هزاران هکتار از سطح جنگل‌های زاگرس تاکنون بر اثر عوامل مختلف از بین رفته‌اند یا در معرض نابودی هستند.

شهرستان سرپل ذهاب

با کمبود شدید آب

روبروست



کمبود آب آشامیدنی سالم در شهرستان "سرپل ذهاب" به یک بحران مبدل گشته و اکثر مناطق این شهرستان روزانه کمتر از ۴ ساعت به آب آشامیدنی سالم دسترسی دارند.

بعد از گذشت ۳ سال از وقوع زلزله "سرپل ذهاب"، اکثر روستاهای این شهرستان از جمله "حسن سلیمان"، "میولی شیرخان" هنوز با کمبود شدید آب روبرو بوده هستند.

مستولان شهرداری این شهرستان اقدام به توزیع آب آشامیدنی ناسالم و غیر قابل شرب در بین مردم روستاها کرده‌اند.

مردم این مناطق چندین مرتبه از وضعیت موجود به مراجع مربوطه مراجعه کرده و شکایت خود را تسلیم آنان کرده‌اند اما هیچ یک از ارگان‌های رژیم حاضر به پاسخگویی به وضع موجود نیست.

رژیم ایران با صرف هزینه‌های میلیاردی در حال انتقال منابع آبی کوردستان به مناطق کویرنشین ایران است، ولی از بازسازی خطوط آب آشامیدنی مردم زلزله زده "سرپل ذهاب" و انتقال آب سالم به مردم این شهرستان امتناع می‌ورزد.

پیدا شدن جسد یکی از

عناصر متواری رژیم در

رومانی

جنازه "غلامرضا منصوری" یکی از قضات رژیم ایران که به "رومانی" متواری شده بود در هتل محل اقامتش یافت شد.

نامبرده بازپرس شعبه ۹ دادسرای فرهنگ و رسانه رژیم ایران و سرپرست این دادسرا بوده و در توقیف روزنامه‌ها و سرکوب رونامه‌نگاران نقش بسزایی داشت.

"منصوری" بعد از اختلاس و فاش شدن دریافت رشوه کلان، از ایران متواری شده و به کشور "رومانی" متواری شده بود.

وی پس از مراجعه به سفارت رژیم ایران در رومانی، رژیم ایران را تهدید کرده بود که در صورت محاکمه در رومانی، سخنانی بر زبان خواهد آورد که به نفع رژیم ایران و قوه قضاییه آن نخواهد بود.

برای نخستین بار نیست که افرادی که دارای اطلاعات مهمی از رژیم ایران هستند، بصورت مشکوک در کشورهای غربی کشته می‌شوند.

در همین خصوص سردبیر پایگاه خبری "مشرق نیوز" وابسته به سپاه تروریستی پاسداران در توثیتی نوشت که "از امروز رومانی هم عمق استراتژیک است برای خودش..."، که از قتل "غلامرضا منصوری" توسط عوامل ترور رژیم ایران در اروپا حکایت دارد.

ادامه سخن

تسلیمات سپاه پاسدارن تنیده می‌شود.

هر روز در گوشه‌ای از کوردستان خبر به گوش رسیده که نیروهای سپاه پاسداران یا از تردد مردم عادی جلوگیری بعمل آورده و آنان را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند یا کوردستان را مورد حملات توپخانه‌ای و موشکی قرار می‌دهند.

در بیشتر مناطق، سپاه پاسداران نیروهای خود را مستقر نموده و مردم این مناطق را تهدید کرده که از تردد در مناطق کوهستانی خودداری کرده و از روستاهای خود فاصله نگیرند. در همین ارتباط، مردم را تحت فشار قرار داده که در صورت مشاهده تحرک پیشمرگه‌ها، به سپاه پاسداران گزارش دهند.

عمیق‌تر شدن بحران‌های سیاسی رژیم و فروپاشی اقتصادی ایران و تشدید تحریم‌ها، رژیم ایران را چنان به وحشت انداخته که هر دره و نقطه‌ای از کوردستان را محل استقرار نیروی پیشمرگه قلمداد نموده و هر فرد کوردی که در جاده‌ها و کوهستان‌های کوردستان تردد نماید را بعنوان پیشمرگه تصور نموده و نیروهای سپاه پاسداران را به سمت وی گسیل می‌دارد.

در حالیکه همه جهان، جمهوری اسلامی را خطری برای جهان و منطقه میداند و دستگاه اطلاعات آلمان در تازه‌ترین گزارش خود، ایران و حزب‌الله را بعنوان تهدیدی جدی برای منطقه نام برده، سپاه پاسداران از ترس و وحشت، چند روز متوالی مناطق مرزی اقلیم کوردستان عراق را توپباران و موشکباران کرد!

همه این رفتار و اقدامات رژیم، نمایانگر قدرت و ثبات این سیستم استعمارگری نیست و بلکه نمایانگر این واقعیت است که تحت فشار بیش از حد، وحشت سقوط رژیم را دربر گرفته و لذا به‌هرگونه رفتار غیر منطقی و غیر سیاسی متوسل شده و همه این دست و پا زدن‌هایش برای بقای چند روز بیشتر بوده و، تحت افزایش فشارها، اقدامات نادرست بیشتری از وی سرزده و در بحران‌های خودساخته‌اش غرق خواهد شد.

فساد در رژیم اسلامی



آگری اسماعیل نژاد

پرونده‌های فساد در ساختار رژیم یکی پس از دیگری توسط خود عوامل رژیم آشکار می‌شود، هرچند سیستم قضایی جمهوری اسلامی این آشکار سازی را تحت عنوان "مبارزه با فساد" بحث

اسلامی که این سازمان‌ها بصورت مستقیم تحت اداره ولی فقیه می‌باشند و ادعا می‌کنند که خواهان جلوگیری از فساد در ادارات هستند، پس بر پایه دو واقعیت روابط فامیلی و همچنین مسئله وجود ده‌ها سازمان امنیتی در ساختار رژیم می‌توان ادعا کرد که رژیم جمهوری اسلامی در یک فساد ساختاری که برای مسئولین آن محرز است، قرار دارد.

ساختار است.

پس بخشی از فساد ساختار در واقع امتیازی لازمه برای تداوم حیات رژیم اسلامی است.

دو: وجود فساد در یک حکومت و یا ساختار اسلامی به منزله سقوط آن نهاد است، دین اسلام که پایه این نوع از ساختارها است، در تاریخ خود بر سه اصل استوار بوده است:

الف: بحث از نوعی معرفت نسبت

مسئله به عنوان نوعی رادیکالیسم اسلامی نگاه می‌کنند.

مسئله سوم که موضوع وجود نظام اخلاقی است، تنها جنبه‌ای از دین در اجتماع است که هنوز نسبتاً اعتبار خود را دارد، در شرایط کنونی که یک رژیم اسلامی به بحران فساد ساختاری مبتلا شده است، باید سوال کرد که نقش نظام اخلاقی که جمهوری اسلامی در ۴۰ سال گذشته تلاش کرده است

یکی از دلایل سکوت و یا تحمل فساد ساختاری موجود، توسط شخص ولی فقیه این است که فساد موجود لازمه تداوم موجودیت رژیم است، جمهوری اسلامی از لحاظ گفتمانی با بن‌بست روبرو شده است و تنها با اجرای نظام پاداش_تنبيه می‌تواند جامعه را اداره کند.

با چنین شرایطی اهمیت ساختاری بودن فساد دو چندان می‌شود و حکایت از دو مقوله بسیار پر اهمیت دارد:

یک: مسئولین رده بالای رژیم و شخص خامنه‌ای بر فساد موجود در ساختار جمهوری اسلامی واقف هستند، به فرض اینکه خود بخشی از آن نیستند، چون نظامی

به جهان با محوریت آفرینش و وجود جهانی غیر از جهان کنونی **ب:** ایجاد یک نظام اخلاقی مختص به خود **ج:** تلاش برای ایجاد راهکاری برای حل بحران‌ها موجود در زندگی انسانی مانند: بیماری‌ها و ... معرفت مورد بحث اسلام در مورد

در جامعه ایران پیاده کند چه بوده است؟! آیا این نظام اخلاقی توانسته است جامعه را به یک "مدینه فاضله" تبدیل کند؟ چون اعضا جامعه مومن هستند و اگر غیرمومن هم باشند ناچارند که از نظام اخلاقی اسلامی پیروی کنند؟! وجود فساد ساختاری و البته وجود

وجود فساد ساختاری و البته وجود ده‌ها بحران اجتماعی در ایران کنونی حکایت از این دارد که نظام اخلاقی تبلیغ شده توسط دین حداقل در رژیم تئوکراسی کاربرد ندارد و نمی‌توان به امید آموزش یا تبلیغ برای یک نظام اخلاقی حکومتی را اداره کرد.

آفرینش و جهان آخرت در شرایط کنونی بشریت نه قابل اثبات است و نه می‌توان به جرأت آن را رد کرد و نوعی معرفت است که ملزم ایمان می‌باشد و باورمندان به این معرفت حتماً باید اعتقادات قلبی هم به اسلام داشته باشند وگرنه نمی‌توانند به معرفت مذکور به عنوان یک حقیقت بنگرند.

در مورد بحران‌های بشری دانش جواب‌های به مراتب درست‌تر و انسانی‌تر از دین را مطرح کرده است و آنچه نمایان است، جواب‌های دانش کارکرد بهتری هم دارند، پس در واقع جواب دینی به بحران‌های موجود در زندگی انسان‌ها در عمل توسط دانش بشری به‌چالش کشیده شده است و دیگر اگر از پزشکی اسلامی، مدیریت اسلامی و شیمی اسلامی و بحث شود، حتی مومنین هم به این

می‌کند، اما اگر وسعت فساد در ساختار رژیم و همچنین ساختار حکومتی رژیم اسلامی را در کنار فسادهای آشکار شده قرار دهیم، به وضوح نمایان می‌شود که فساد موجود در رژیم جمهوری اسلامی یک فساد نهادینه شده است. رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم توتالیتر است، ساختار آن مبتنی

بر قبول ولایت مطلقه فقیه است و خود ولی فقیه که در شرایط کنونی "خامنه‌ای" است، بالاترین قدرت اجرایی، امنیتی، گزینشی و تصمیم‌گیری در ساختار جمهوری اسلامی است.

وقتی در یک ساختار یک فرد و نهاد تحت حاکمیت آن به بالاتر قدرت تصمیم‌گیری، اجرایی، امنیتی و گزینشی تبدیل می‌شود، مشخص است که فساد موجود در ساختار آن رژیم در واقع تحت سیطره همان فرد رخ داده است، این مسئله با دو مقوله دیگر نیز همراه است:

یک: روابط فامیلی تودرتویی که به بخشی از سنت قدرت در جغرافیای ایران تبدیل شده است. **دو:** وجود ده‌ها سازمان امنیتی در بطن ساختار اداری جمهوری

دوخت گردن بر طناب دار



فالد درویش

وخامت اوضاع زندگی ملت‌های ساکن در جغرافیای سیاسی ایران تحت حاکمیت رژیم ایدئولوژیک و قرون وسطایی جمهوری اسلامی به شیوه‌ای هر روز بدتر از گذشته رقم می‌خورد که ترکیب واژه‌ی دریغ از پارسال در گوش همگان طنین‌انداز گشته و کمتر روزی را در تقویم روز شمار می‌توان یافت که مرگ غریزی، جامعه را داغدار و امید به آینده‌ای حتی با دسترسی به حداقل امکانات را در هاله‌ای از ابهام فرو نبرد. اگر چه مرگ در باور عمومی جامعه به مثابه شتری که بر در هر خانه‌ای می‌نشیند امری کاملاً طبیعی است، اما مرگ معیشتی یا به تعبیری دیگر مرگ ناشی از فقر و تنگدستی آن هم در جغرافیایی مملو از منابع عظیم معدنی و مالی که امروزه و در قالب خود کشی هرروزه شاهد افزایش فاجعه بار آن می‌باشیم، کاملاً غیر طبیعی و پدیده‌ای دل آزار بوده که وجدان هر انسانی را می‌آزارد. در کشوری که بیشتر از ۶۰ میلیون نفر از جمعیت ۸۰ میلیونی آن مستحق یارانه بگیر باشند و روز به روز باید شاهد خودکشی ناشی از فقر باشیم و از دیگر سو اظهارات تو خالی و توهمات دون کیشوت وار مسئولین حکومتی را شاهد باشیم که تنها وسوسه‌ی چپاول و غارت ثروت‌های ملی و بهره‌مندی از زندگی لوکس را در سر داشته و از آن هم بهره‌مند هستند، آزار چنین دردهایی البته چند برابر است. در حالی که مشکلات معیشتی، تورم افسار گسیخته، بیکاری فرا گیر -فلاکت گسترده، همه جامعه را در بر گرفته و نداری دست در گریبان مردم، نای نفس‌کشیدنشان را گرفته، محمد باقر نوبخت معاون رئیس‌جمهور روحانی و رئیس سازمان برنامه و بودجه در تازه‌ترین اظهارات خود به جای ریشه‌یابی مشکلات معیشتی مردم و اقدام جهت رفع چنین بحران‌هایی، گویی اوایل انقلاب است و سوار بر احساسات مذهبی از بالا بردن آستانه‌ی تحمل مردم سخن بر زبان می‌آورد. غافل از اینکه دیگر چنین ترندهای عوام فریبانه و غیر منطقی خریداری نداشته و دیر یا زود طناب گسترانیده در جامعه، گلوی مستبدین و چپاولگران این جغرافیا را دوخت خواهد کرد.

اگر چه رژیم درطول ۴۰ سال از حاکمیتش با تنوری‌هایی ناکجاآبادی، یک پا در زمین و یک پا در هوا می‌خواست فقر را مبهم و بی‌هوده، مقدس جلوه دهد، اینک ریزش و پوشالی شدن چنین باورهای خرافاتی را بایست به فال نیک گرفت. دیگر امروزه به برکت فراگیری شبکه‌های اجتماعی و افزایش سطح آگاهی‌های جامعه از یک طرف و وجود شکاف عظیم مابین آنچه وجود دارد و آنچه می‌بایست باشد و از همه مهمتر درک بر این واقعیت که عامل و ریشه‌ی اصلی همه بحران‌های موجود در اجتماع و از همه مهمتر، فقر گسترده تنها و تنها رژیم ولایت می‌باشد، خواندن چنین مباحث و تنوری‌های کلیشه‌ای آن هم به مردمی که شاهد دزدیدن و غارت ثروت‌هایی هستند که به جای آنکه قوت و مرهمی بر دردهای عدیده‌شان باشد صرف مقاصد جنگ افروزان و زیاده خواهی‌های سران رژیم و مغازه‌داران ذوب شده در ولایت می‌شود، آب در هاون کوبیدن است و دانش و آگاهی عمومی جامعه همراه با اکت انقلابی سرچشمه گرفته از مطالبات انباشته شده بر حق ملت‌های تحت ستم گردن ظالمان را به خاک دوخته و صفحه‌ی سیاه منحوس‌ترین نظام مستبد عصر حاضر را ورق خواهند زد.

مذاکره انتخابی میان بد و بدتر برای رژیم ایران

مختار نقشبندی

در چهل سال گذشته آمریکا و ایران همواره روابط پر تنش داشته‌اند که تهدید و اقدامات خصمانه و تحریم و انزوا و حتی چند درگیری محدود نظامی بخشی از این روابط بوده که چندین بار هم دو کشور در آستانه یک درگیری تمام عیار نظامی قرار گرفته‌اند، در تمام این سالها دو کشور علی‌رغم قطع کامل روابط دیپلماتیک و سخنان تندى که از تریبون‌های رسمی بیان می‌کنند از طریق کشورهای دیگری سعی در آرام کردن و کنترل اوضاع را داشته‌اند و بنا به اسناد موجود چندین بار هم مقاماتی از دو کشور با وساطت کشور سومى به طور مستقیم با همدیگر دیدار داشته‌اند و چند سال پیش هم در پی مذاکراتی طولانی و علنی و آشکارا به توافقی مشهور به برجام دست یافتند اما به این دلیل که این توافق جامع و کلی نبود بعد از چند ماه دوباره تنش‌ها و مشکلات اوج گرفت و نهایتاً آمریکا از برجام خارج شد، البته بلافاصله آقای ترامپ آمادگی خود برای مذاکره به شرط پذیرش چند شرط از سوی ایران را اعلام کرد اما مقامات ایران بشدت و صراحت هرگونه مذاکره مجدد را رد کردند و همین مسئله تنش‌ها و تحریم‌های بیشتری را در پی داشت، البته در سیاست ظاهر و باطن قضایا متفاوت هستند و مقامات رژیم ایران هم علی‌رغم بیانات ظاهری و تند در عمل راه مذاکره را باز گذاشته‌اند و با توجه به رویدادهای اخیر از جمله آزادی چند زندانی از سوی دو کشور و پیشنهاد اخیر آقای ترامپ به ایران در مورد مذاکره قبل از انتخابات ریاست جمهوری احتمال مذاکره مستقیم میان دو کشور بالا رفته‌است، در این مقاله این مسئله را بررسی خواهیم کرد که آیا در این مقطع احتمال مذاکره و دستیابی به توافقی کلی میان آمریکا و ایران وجود دارد؟ آیا تضمینی وجود دارد که توافق جدید به سرنوشت برجام دچار نشود؟ آیا مذاکره به معنای ضعف آمریکا است؟ آیا رژیم ایران به توافقی با آمریکا نیاز دارد؟

آمریکا چرا تمایل به مذاکره دارد و آیا این به معنای ضعف آمریکا در مقابل ایران است؟

آمریکا در بیرون از مرزهایش منافع اقتصادی و امنیتی را در اولویت قرار داده‌است و برای دستیابی به منافعش از هیچ اقدامی دریغ نکرده است، از تلاش برای گفتگوی دوستانه گرفته تا تشویق و تهدید و تحریم و حتی جنگ، آمریکا برای حفظ منافعش در خاورمیانه و کنترل رژیم ایران که سودای تسلط بر منطقه را در سر دارد تلاش می‌کند و اگر ایران منافع آمریکا را تضمین و تأمین کند و در عمل دست از دشمنی

با آمریکا بر دارد مطمئناً آمریکا از آن استقبال خواهد کرد و هیچ احتیاج و دلیلی برای ادامه تحریم ایران ندارد و هر نوع توافقی با ایران به نفع آمریکا و بردی برای آن کشور محسوب می‌شود و حتی مذاکره بدون نتیجه هم نوعی دست آورد و برد سیاسی برای آمریکا و دولت آقای ترامپ محسوب می‌شود چون توانسته است دشمنی ایدئولوژیک که آشکارا شعار مرگ و نابودی بر ضد آمریکا را سر می‌دهد را وادار به مذاکره کند. لازم به ذکر است که وجود رژیمی شرور مانند رژیم ایران در منطقه به نفع آمریکا است و بهتر می‌تواند حضور نظامی در منطقه و فروش میلیارد دلاری تسلیحات به کشورهای عربی را ادامه بدهد اما به شرطی که این رژیم شرور تحت کنترل باشد.

آیا رژیم ایران نیازی به مذاکره دارد و آیا این نشان ضعف یا قدرت رژیم ایران است؟

رژیم ایران از همان ابتدای مصادره انقلاب مردمان ایران، تلاش کرده

در ظاهر هم آمار و ارقام امیدوار کننده‌ای اعلام نمی‌کنند، آقای روحانی چند روز پیش همانند بانک مرکزی رشد اقتصادی سال گذشته ایران بدون نفت را حدوداً مثبت یک و با نفت را کمی زیر صفر اعلام کرد و از طرفی مرکز آمار ایران رشد اقتصادی ایران در سال گذشته بدون نفت و با نفت را منفی شش و منفی هفت اعلام کرد، حتی اگر به آمار و ارقام دولت روحانی هم استناد کنیم وضعیت اقتصادی ایران بسیار وخیم است و رشد یک در صدی پس از چندین سال رکود شدید برای کشوری که روز به روز به تعداد میلیون‌ها بیکار آن افزوده می‌شود اصلاً رقم خوبی نیست، البته لازم به ذکر است بانک جهانی رشد منفی هشت درصد را برای سال ۲۰۱۹ ایران تخمین زده و تمام نهادهای مهم اقتصادی جهانی پیش‌بینی کرده‌اند که ایران در سال ۲۰۲۰ رشد منفی اقتصادی خواهد داشت، واقعیت این است که مردم ایران در تأمین نیازهای اولیه خود با مشکل مواجه شده‌اند و به علت

مذاکره بدون نتیجه هم نوعی دست آورد و برد سیاسی برای آمریکا و دولت آقای ترامپ محسوب می‌شود چون توانسته است دشمنی ایدئولوژیک که آشکارا شعار مرگ و نابودی بر ضد آمریکا را سر می‌دهد را وادار به مذاکره کند.

ایدئولوژی و دیدگاه مذهبی خود را به دیگر کشورها تحمیل کند و برای دستیابی به این هدف از حمایت مالی گرفته تا اقدامات تروریستی از هیچ اقدامی دریغ نکرده است و دشمنی آشکارا و علنی با آمریکا و اسرائیل نیاز

ایران ترس آن را هم دارد که در صورت ادامه وضعیت فعلی و خودداری از مذاکره و توافقی با آمریکا فشارها و مشکلات افزایش یابد و حتی با جنگ روبه رو شود و یا رژیم توسط مردم خشمگین از فقر و بیکاری سرنگون شود و یا روسیه و چین بر سر مسئله ایران با آمریکا معامله کنند

و وسیله رژیم برای حفظ قدرت در داخل و نفوذ در کشورهای اسلامی بوده است و مطمئناً هر نوع مذاکره آشکارا با آمریکا در نهایت به ضرر رژیم ایران است، اما رژیم ایران در گذشته هم با آمریکا مذاکره و توافقاتی داشته‌است و در واقع رژیم ایران هرگاه بر سر

توافق با آمریکا یک ریسک بزرگ برای رژیم ایران است و شاید رژیم برای کاستن از فشارها و از ترس سرنگونی اجباراً با آمریکا به توافق برسد هر چند هیچ توافقی برای همیشه رژیم ایران را از بحران نجات نمی‌دهد و تا وقتی که هدف و سیاست خارجی رژیم صدور انقلاب و حمایت از تروریسم است ایران همیشه با بحران مواجه خواهد بود.

و صادرات و واردات مهیا شود و تنها راه عادی‌سازی روابط با جهان مذاکره و توافق با آمریکا است. هر چند توافق با آمریکا و برداشتن تحریم‌ها تمام مشکلات اقتصادی ایران را در کوتاه مدت حل نمی‌کند اما مانع بدتر شدن اوضاع می‌شود، از طرفی جنگ های نیابتی و حمایت از گروه‌های شبه نظامی از لحاظ سیاسی و اقتصادی و نظامی به رژیم ایران فشار وارد کرده است و به دلیل حمایت آمریکا از طرف‌های درگیر با ایران روز به روز ایران با

مشکلات بیشتری روبه رو می‌شود به خصوص در سوریه که حملات مرگبار ارتش اسرائیل ادامه حضور ایران در سوریه را بسیار دشوار کرده است و همچنین تحریم‌های آمریکا حضور ایران در عراق را با مشکلات بیشتری مواجه کرده است، هر چند رژیم ایران در توافقی گسترده با آمریکا مجبور است حداقل از بخشی از سیاست خارجی‌ش و حمایت از برخی گروه‌ها

مذاکره بدون نتیجه هم نوعی دست آورد و برد سیاسی برای آمریکا و دولت آقای ترامپ محسوب می‌شود چون توانسته است دشمنی ایدئولوژیک که آشکارا شعار مرگ و نابودی بر ضد آمریکا را سر می‌دهد را وادار به مذاکره کند.

و دخالت در بعضی کشورها دست بکشد و این به معنای شکست رویای هلال شیعی است اما ادامه وضعیت فعلی به شکست کامل در منطقه و سرنگونی رژیم ختم می‌شود.

ایران ترس آن را هم دارد که در صورت ادامه وضعیت فعلی و خودداری از مذاکره و توافقی با آمریکا فشارها و مشکلات افزایش یابد و حتی با جنگ روبه رو شود و یا رژیم توسط مردم خشمگین از فقر و بیکاری سرنگون شود و یا روسیه و چین بر سر مسئله ایران با آمریکا معامله کنند

وضعیت بد اقتصادی ایران هستند و برای بهبود شرایط اقتصادی و رشد بالا و مداوم هم باید در داخل ایران اصلاحات گسترده اقتصادی و سیاسی صورت گیرد و هم با ایجاد روابط دوستان و یا حداقل روابط غیر خصمانه با غرب شرایط برای سرمایه گذاری خارجی

توافق با آمریکا یک ریسک بزرگ برای رژیم ایران است و شاید رژیم برای کاستن از فشارها و از ترس سرنگونی اجباراً با آمریکا به توافق برسد هر چند هیچ توافقی برای همیشه رژیم ایران را از بحران نجات نمی‌دهد و تا وقتی که هدف و سیاست خارجی رژیم صدور انقلاب و حمایت از تروریسم است ایران همیشه با بحران مواجه خواهد بود.

حرف اول را می‌زند و هیچ قانون و توافقی تضمینی و همیشگی نیست و همین مسئله باعث ترس و نگرانی زیاد مقامات رژیم ایران شده است، هیچ تضمینی وجود ندارد که در صورت توافق مجدد با آمریکا پس از گذشت چند ماه توافق جدید به سرنوشت برجام دچار نشود یا تحت تاثیر مشکلات جدیدی قرار نگیرد! از طرفی ایران ترس آن را هم دارد که در صورت ادامه وضعیت فعلی و خودداری از مذاکره و توافق با آمریکا فشارها و مشکلات افزایش یابد و حتی

با جنگ روبه رو شود و یا رژیم توسط مردم خشمگین از فقر و بیکاری سرنگون شود و یا روسیه و چین بر سر مسئله ایران با آمریکا معامله کنند، روسیه و چین دو رقیب اصلی و جدی آمریکا هر کدام به دنبال منافع خود هستند و علی‌رغم آنکه مقامات ایران از آن دو کشور به عنوان هم‌پیمان و دوست نام می‌برند اما آنها همواره از ایران به عنوان یک کارت

مذاکره بدون نتیجه هم نوعی دست آورد و برد سیاسی برای آمریکا و دولت آقای ترامپ محسوب می‌شود چون توانسته است دشمنی ایدئولوژیک که آشکارا شعار مرگ و نابودی بر ضد آمریکا را سر می‌دهد را وادار به مذاکره کند.

فشار در روابط با آمریکا استفاده کرده‌اند و همانگونه که ایران از گروه‌های شبه نظامی برای منافعش در جنگ نیابتی استفاده می‌کند آن دو قدرت هم در چند دهه گذشته از ایران برای جنگ نیابتی و رقابت با آمریکا استفاده

ایران ترس آن را هم دارد که در صورت ادامه وضعیت فعلی و خودداری از مذاکره و توافقی با آمریکا فشارها و مشکلات افزایش یابد و حتی با جنگ روبه رو شود و یا رژیم توسط مردم خشمگین از فقر و بیکاری سرنگون شود و یا روسیه و چین بر سر مسئله ایران با آمریکا معامله کنند

کرده‌اند و هیچ تضمینی وجود ندارد که برای حل اختلافات با آمریکا بر سر موضوعاتی همچون کریمه و تایوان از کارت ایران استفاده نکنند! در واقع ایران بر سر دو راهی مذاکره یا ادامه وضعیت فعلی گیرکرده و هر دو راه پر خطر و نامطمئن هستند و رهبران رژیم

توافق با آمریکا یک ریسک بزرگ برای رژیم ایران است و شاید رژیم برای کاستن از فشارها و از ترس سرنگونی اجباراً با آمریکا به توافق برسد هر چند هیچ توافقی برای همیشه رژیم ایران را از بحران نجات نمی‌دهد و تا وقتی که هدف و سیاست خارجی رژیم صدور انقلاب و حمایت از تروریسم است ایران همیشه با بحران مواجه خواهد بود.

با تصمیمات و محاسبات اشتباه و حمایت از تروریسم و دشمن تراشی، ایران را در این شرایط حساس قرار داده‌اند، توافق با آمریکا یک ریسک بزرگ برای رژیم ایران است و شاید رژیم برای کاستن از فشارها و از ترس سرنگونی اجباراً با آمریکا به توافق برسد هر چند هیچ توافقی برای همیشه رژیم ایران را از بحران نجات نمی‌دهد و تا وقتی که هدف و سیاست خارجی رژیم صدور انقلاب و حمایت از تروریسم است ایران همیشه با بحران مواجه خواهد بود.



برخی کارهای تنش آفرین رژیم از جمله افزایش ذخایر اورانیوم و ممانعت از دسترسی آژانس بین المللی انرژی اتمی به برخی مراکز و آزمایش‌های موشکی و پرتاب ماهواره و ... نوعی چنگ و دندان نشان دادن رژیم ایران از روی ناچاری و ترس و برای زمینه‌سازی برای مذاکره با دستان پراست و از طرفی دولت ترامپ که هم اکنون با برخی مشکلات اقتصادی و سیاسی روبه رو است اگر برای پیروزی در انتخابات به توافقی با ایران احتیاج پیدا کند احتمال دارد در سایه نشست مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر مذاکراتی با میانجی‌گری طرف سومى صورت گیرد هر چند با توجه به شرایط فعلی احتمال آن کم است، در هر مذاکره‌ای طرفی که شرایط بهتر و قدرت بیشتری داشته باشد نظراتش را بر طرف مقابل تحمیل می‌کند یا امتیاز بیشتری کسب می‌کند و با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی ایران هر توافقی در سال ۲۰۲۰ برای رژیم ایران به معنای تسلیم شدن در برابر آمریکا است و هر انتخابی برای رژیم ایران چه مذاکره و چه ادامه وضعیت فعلی انتخاب میان بد و بدتر است.

همانگونه که مذاکرات میان آمریکا و کره‌شمالی بر سر مسائل اتمی و موشکی بود و مسائل حقوق بشری و دموکراسی جایی در مذاکره میان دو کشور نداشت هرگونه مذاکره میان آمریکا و ایران هم بر سر مسائل هسته‌ای و موشکی و منطقه‌ای خواهد بود و مسئله حقوق بشر و دموکراسی جایگاهی در مذاکرات نخواهد داشت و روشن و آشکار است که منافع مردمان ایران با رژیم ایران متفاوت است بنابراین نباید اپوزسیون و مردم اجازه بدهند رژیم ایران که در چهار دهه گذشته همه امکانات کشور را صرف توسعه طلبی مذهبی کرده بار دیگر با سرنوشت آنان بازی کند و باید اپوزسیون در این شرایط حساس متحذانه و با برنامه برای سرنگونی رژیم قدم بردارند چون تا وقتی رژیم ایران سرنگون نشود مذاکره یا عدم مذاکره با آمریکا تفاوت مهمی در شرایط سیاسی و اقتصادی مردمان ایران ایجاد نخواهد کرد.

ناسیونالیسم کوردی؛ از نظر تا عمل



هۆگر

وشناخت از ناسیونالیسم کوردی را در دو وجه آنالیزه کرد.

اول در بعد احساسات میهن پرستانه‌ی آن.

دوم در بعد یک کنش عقلانی معطوف به هدف.

درواقع در وجه اول آن، ناسیونالیسم نه یک کنش اتحاد بخش، بلکه به عنوان پدیده‌ای که به دلایلی

در مقابل دیگری بار معنایی "ما هستیم" به خود می‌گیرد. از این رو کنش کوردی در چنین پارادایم پارادوکسیکالی قرار گرفته است که نه میل به عدم کنش دارد (در وجه اولی آن) و نه وارد عملی نتیجه بخش می‌شود.

به همین خاطر، صحبت از سوژه کوردی بدون درک چنین تناقضاتی کارآمد نبوده و هرگونه عملی برنامه‌ریزی شده‌ای را از درون اخته می‌کند.

مشکل کجاست؟ ناسیونالیسم کوردی اگرچه در "عمل" میل به تعریف "خود" در مقابل دیگری حاکم دارد، اما در عالم نظر دچار ناندیشیدگی وعدم اتحاد است.

به چه شکلی خود را به نمایش می‌گذارد؟ درواقع همین تناقضات کنش کوردی، اساسی‌ترین مشکلیست که باعث شده است که ایدئولوژی‌های مختلف در درون کنش کوردی شکل گرفته و به دامن گفتمان‌های غریب‌گرا، چپ‌گرای مائوئی، چپ‌گرای لنینی و اسلام سیاسی انداخته شود.

راه حل چیست؟ اگر هویت کوردی به شکلی که به آن اشاره شد مسیر ارزش‌های خود را ادامه دهد نه تنها سنتزی را تولید نمی‌کند بلکه شرایط تاریخی کنش کوردی را سست می‌کند. لذا لازم است با

اما در وجه دوم ناسیونالیسم، هر کنشی دارای عملی اتحاد بخش است (حتی در زمانی که دچار شکست می‌شود)، ناسیونالیسم در وجه دوم مطلقاً نه کنشی احساسی، بلکه دارای عملی عقل گرایانه‌است، برخلاف اولی، سوژه دنبال شکل‌گیری گفتمان می‌باشد، هویتی نه پدیده‌ای قوم گرایانه بلکه ماهیتی ملی گرایانه دارد و درنهایت، تعریف خود

ناقص، میل به "بودن" دارد. لذا می‌توان چنین دلایلی را اینگونه برشمرد: تکرار به عادات، علاقه به تعریف خود در مقابل دیگری؛ با بار معنایی "من هستم" (البته نه بعنوان یک امر جمعی)، درکی نه چندان دقیق از تاریخ گذشته، تعریفی چند پاره از دیگری حاکم، عدم کنش ملی گرایانه در بطن عمل و درنهایت کنشی سنتی برپایه‌های قوم گرایانه نام برد.

آگاهی و انسجام، شناخت تاریخ گذشته، درک اتحادبخش و... به شکل کنش‌های حزبی گروه اول را با گروه دوم هماهنگ کرد. تا بتوان هویت کوردی را در دامان گفتمان‌های غیریت‌ساز نجات داد.

آیا به تنهایی این راه حل کافیهست؟ مسلماً در جواب چنین سوالی باید گفت: خیر؛ چرا که لازم است گفتمان کوردی برای کارآمد واقع شدن آن، وارد مرحله‌ی دیگر شود. مرحله دوم چیست؟ و چگونه امکان پذیر است؟ درواقع ناسیونالیسم کوردی علاوه بر اتحاد بخش بودن هویت کوردی و تشکیل گفتمان واحد، نیازه تعریف "دیگری" در مقابل "خود" دارد. به عبارتی بدون تعریف دیگری نه تنها سنتزی شکل نمی‌گیرد بلکه گفتمان اولیه‌ای نیز به مرور به حالت پیشا قراردادی رانده می‌شود. به بیانی دقیق‌تر ناسیونالیسم کوردی نباید به دامن مفاهیم هژمونیک محور دیگری گرفتار شود. براین اساس لازم است در مقابل خود، تعریفی دقیق از دیگری حاکم داشته و کنش خود را در چنین پارادایمی صورتبندی کند.

درنتیجه با چنین راهکاری می‌توان گفت ذهن وعین کوردی یکی شده وسنتز آن تشکیل دولتیست که دیگری غالب در آن به حاشیه رانده شده است.

گزارشی از این روزهای شهر



باشور ۶۴

دولتی به حراج گذاشته شده‌اند. آزادسازی سهام عدالت شهروندان و ورود آن به بازار بورس (طرحی که می‌شود گفت اجباری یا نیمه اجباری است و امکان دیگری برای آن جز ورود به بازار بورس فراهم نیست) تلاش دیگری برای ایجاد گردش مالی در داخل است. مضافاً اینکه دولت حذف یارانه یارانه‌بگیران را نیز مدنظر خود دارد.

اما نکته مورد بحث در این گزارش چگونگی اجرای طرح‌های فوق است. از آنجایی که اقتصاد ایران به شکل مافیایی و در اختیار مطلق سپاه پاسداران است، کلیه طرح‌های مذکور با هدایت و مدیریت این نهاد شبه نظامی در دست انجام است. به این معنا که برای مقابله با پیامدهای تحریم‌های بین‌المللی که ناشی از فعالیتهای شروانه این نهاد در منطقه است؛ سیاست اقتصادی دست بردن به جیب مردم؛ با شیوه‌ای متبحرانه به گونه‌ای انجام می‌شود "که این نهاد مسئول و مقصر بیکاری و فقر اقتصادی" بعنوان منجی و ایجادکننده اشتغال! به نظر بیاید. در شهرستانهای کوچک که اغلب مردم با وجود داشتن مدارک تحصیلی فاقد آگاهی و بینش درست سیاسی، اقتصادی هستند؛ اندک اندوخته‌ای دارند و یا حتی اقدام به آخذ وام جهت شرکت در این طرح‌ها کرده‌اند،

افزایش تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه رژیم تهران و کاهش صادرات نفت به ۲۸۰ هزار بشکه در روز، کسری شدید بودجه قوه اجرایی و دستگاه دولتی در ایران را به دنبال داشته‌است. در حال حاضر با کاهش درآمد نفتی؛ بودجه ۵۰ میلیون دلاری برای هر یک روز نهادهای دولت، که معمولاً صرف فساد روزمره دولتی می‌شود، دیگر در دسترس نیست. به همین دلیل حاکمیت در ایران جهت تأمین نقدینگی دست به ابتکاراتی موزیانه زده است.

اولین شیوه که چند سالی است دنبال می‌شود تبلیغ برای عضویت در شرکت‌های هرمی تحت نظر سپاه پاسداران است که بی محابا انجام می‌شود. دومین شیوه که با تب و تاب بی‌مانندی تبلیغ می‌شود سهمیم کردن مردم در بازار بورس است. بازاری که تا پیش از این تاریخ بویژه در شهرستان‌های کوچک بصورت انحصاری به افراد خاص (همانند روسا و معاونین ادارات و بانک‌ها) تعلق داشت و عموم از دسترسی به آن محروم بودند.

شرکت‌ها و کارخانه‌ها و موسسات تأسیس نشده یا حتی تعطیل و ورشکسته! و موسسات و اموال

می‌زنند که حمایت سیستم را برای اعمال برتری‌جویی بیمارگونه بر دیگر شهروندان جلب کنند. بدنبال افشاگری‌ها و رسوایی‌هایی که فساد و خیانت این نهاد شبه‌نظامی را به ملت نمایان کرد؛ اینکه هنوز افرادی هستند که تکیه بر این قدرت فاسد را که هر آن ممکن است خود آنها را فدای موجودیت خود کند؛ به رهایی بخشی فکری و عملی ترجیح می‌دهند، جای بسی تأسف است.

این دسته از افراد باشد و نه مفاد و مواد مندرج در قانون مکتوب و قضایی موجود! و البته سرنوشت افرادی هم که نخواهند وارد این چرخه خیانت به اقتصاد و جیب ملت باشند هم کاملاً مشخص است! و نکته پایانی روش و منش خائنانه آدم‌هایی از دل همین مردم که متأسفانه در اقلیت هم نیستند. آنها آگاهانه به این سیستم فاسد کمک می‌کنند که سرپا بایستد و آگاهانه به دیگری آسیب

صاحبان و گردانندگان اصلی این اقتصاد بیمار مافیایی هرمی... بورسی هستند. نکته حائز اهمیت دیگر ورود اجباری و تحمیلی افرادی به این اقتصاد نوظهور در ایران است که به هر عنوان در مقام شاکی یا متشاکی در دادگستری‌ها پرونده‌ای در دست بررسی دارند. عضویت در این چرخه اقتصادی استثمار و استثمار گونه می‌تواند منجر به نتیجه‌گیری مطلوب برای

در ازای دریافت مبالغ بسیار ناچیزی (مثلاً درآمد ماهیانه ۲۰۰ هزار تومانی در شرکت‌های هرمی که آن هم بخشی از سرمایه خود آنهاست و مطلقاً سودآوری شرکت محسوب نمی‌شود) نه‌تنها سودمند اصلی نیستند بلکه تبدیل به ربات‌هایی می‌شوند که تنها یک کد تجاری بحساب می‌آیند! و البته دیگر استقلال عمل در زندگی تجاری و شخصی خود را ندارند؛ و تابع دستورات دیکته شده

نمایی از پایمال کردن حقوق بشر در کوردستان ایران در طی دو هفته آخر خردادماه با استناد به آژانس خبرسانی کوردستان، (کردپا)

اعدام و محکوم کردن شهروندان به اعدام

سرگاه روز چهارشنبه بیست و یکم خردادماه، یک زندانی متهم به "قتل عمد" به نام "رحیم یوسفی" اهل روستای "سوغانلو" از توابع پیرانشهر در زندان نرده اعدام شد.

جانباختن و مصدوم شدن کارگران



شامگاه روز پنجشنبه پانزدهم خردادماه، دو کارگر کورد به نام‌های "حسین صالح‌زاده اهل سقز و رضا شکاری اهل بوکان" در حین حفر چاه در بوکان به دلیل گازگرفتگی جان خود را از دست دادند.

در همین ارتباط نیز، روز جمعه شانزدهم خردادماه، یک کارگر کورد به نام "عکاشه رحمتی" اهل کلاشی ساکن جوانرود به دلیل سقوط از ارتفاع جان باخت.

روز پنجشنبه بیست و دوم خردادماه، یک کارگر کورد به نام "یعقوب صادقی" ۳۰ ساله اهل روستای "راویان" از توابع منطقه قطور خوی بر اثر ریزش دیوار در حین کار جان خود را از دست داد.

بازداشت و انتقال شهروندان به مکانی نامعلوم



یک شهروند کورد به نام "صهیب ساعدی" فرزند صالح اهل سنندج پس از بازداشت توسط نیروهای امنیتی به مکان نامعلومی انتقال یافته است.

روز یکشنبه هجدهم خردادماه، نیروهای امنیتی یک فعال مذهبی به نام "جعفر اوصافی" ۳۰ ساله اهل بوکان را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند.

امروز شنبه بیست و چهارم خردادماه، کمال حسن رمضان، زندانی سیاسی محکوم به اعدام از بند زندانیان سیاسی زندان ارومیه به مکان نامعلومی انتقال یافت.

تمدید حکم حبس زندانیان



قرار بازداشت موقت دو شهروند کورد به نام‌های "نوید محمدی و خالد محمدی" اهل پیرانشهر به مدت یک ماه دیگر تمدید شد.

کشته و مجروح شدن کولبران و کاسبکاران



روز پنجشنبه پانزدهم خردادماه، گروهی از کولبران کورد در مرز بانه هدف شلیک مستقیم نظامیان حکومتی قرار گرفتند و در پی شلیک این نیروها، یک کولبر به نام "علی معارفی" اهل روستای "تنور" به شدت زخمی گردید.

روز شنبه هفدهم خردادماه، گروهی از کولبران کورد در مرز شهرستان سردشت هدف شلیک نظامیان حکومتی قرار گرفتند و در نتیجه یک کولبر به نام "عمر مصلحتی فرد" اهل روستای "بیلوکه" جان باخته و دو کولبر دیگر به نام‌های "امید کوشیار" اهل بخش وزینه و "عبدالرحمان شایقی" اهل میرآباد سردشت زخمی شدند.

روز یکشنبه هجدهم خردادماه، چهار کولبر کورد به نام‌های "هاویر ابراهیمی، عثمان صالحی، ارسلان عبدالهی و ابراهیم رسولی" بر اثر شلیک نظامیان حکومتی در مرز سردشت زخمی شدند.

روز دوشنبه بیست و ششم خردادماه، یک کولبر کورد به نام "رسول حسن‌زاده" بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومتی در مرز "دوله‌تو" سردشت به شدت زخمی شد. این کولبر جهت مداوا پزشکی به مراکز درمانی سردشت منتقل شده است.

انفجار مین



روز یکشنبه هجدهم خردادماه، یک شهروند کورد به نام "حیدر علیاری" ۳۰ ساله در ارتفاعات پشت روستای "سارداو" از توابع بانه بر اثر انفجار مین دچار قطع عضو گردید.

روز سه‌شنبه بیستم خردادماه، یک شهروند کورد به نام "ستار اصغری" فرزند عبدالله در روستای "لیک بن" از توابع بخش لاجان شهرستان پیرانشهر در پی انفجار مین مصدوم و تعدادی از انگشتان پای خود را از دست داد.

روز دوشنبه بیست و ششم خردادماه، یک شهروند کورد به نام "احمد اعلم" اهل روستای "سوراب" از توابع بانه بر اثر انفجار مین جان خود را از دست داد.

شلیک نظامیان حکومتی به شهروندان

روز شنبه هفدهم خردادماه، شهرام مصطفی‌پور فرزند رشید اهل روستای "موانا" از توابع منطقه ترگور ارومیه به دلیل شدت جراحات وارده ناشی از اصابت گلوله نظامیان حکومتی در بیمارستان "عارفیان" جان خود را از دست داد.

روز شنبه هجدهم خردادماه، یک کاسبکار کورد به نام "فرهاد کچلانلو" ۲۶ ساله اهل روستای "شیخ عسکر" از توابع چالدران در پی شلیک نظامیان حکومتی جان باخت.

انتقال شهروندان به زندان



یک شهروند کورد به نام «محمد قادری» اهل پیرانشهر پس از اتمام بازجویی از بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه به زندان نرده منتقل شد.

روز چهارشنبه بیست و هشتم خردادماه، هاجر سعیدی، فعال حقوق زنان به بند نسوان زندان مرکزی سنندج منتقل شد.

محرومیت زندانیان از حق مرخصی

تحسین پیروزی، زندانی سیاسی کورد محبوس در زندان بندر عباس از اعطای حق مرخصی محروم و تا کنون مسئولان زندان با درخواست مرخصی وی موافقت نکرده‌اند.

بازداشت شهروندان



روز یکشنبه هجدهم خردادماه، "هاجر سعیدی"، فعال حقوق زنان در سنندج از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

روز شنبه هفدهم خردادماه، بابک دبیریان، فعال مدنی که‌رد پس از احضار به دادگاه انقلاب کرمانشاه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال یافته است.

روز دوشنبه نوزدهم خردادماه، یک شهروند کورد به نام "خیرت پروازه" ۳۰ ساله فرزند رحمان اهل روستای "نی" از توابع مریوان پس از احضار به اطلاعات سپاه بازداشت شده است.

روز شنبه هفدهم خردادماه، حیدر قربانی، کارگر ساختمانی اهل کامیاران در منزل شخصی‌اش در تهران از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

خودکشی زندانی سیاسی در زندان



روز جمعه بیست و سوم خردادماه، "رضا خجسته"، زندانی سیاسی محبوس در زندان ارومیه در اعتراض به "انتقال به بند کارگران و عدم رعایت اصل تفکیک جرائم" اقدام به خودکشی کرده است.